

«تحقیقات مالی»

سال چهارم - شماره ۱۳ و ۱۴ - بهار و تابستان ۱۳۷۸

ص ص ۱۷۶ - ۱۶۶

فرهنگ واژگان مالی (۹)

دکتر علی جهانخانی^۱

Chief financial officer

مدیر مالی - مدیر ارشد مالی

کسی که مسئول امور مالی یک شرکت است، گاهی او را کنترلر Controller و یا Comptroller نیز می‌گویند.

Chief operating officer (COD)

مدیر کل عملیاتی

یک مقام بالای شرکت که مسئول اداره امور روزمره شرکت است.

Chinese wall

دیوار چین

در بازارهای مالی، این اصطلاح را برای موردی به کار می‌برند که اطلاعات نباید از مشاورین شرکت به سرمایه‌گذارها برسد، تا آنها نتوانند از این اطلاعات بهره‌برداری کنند و سودهای کلانی به جیب بزنند.

Churn and burn

نوعی حساب‌سازی

اصطلاحی است که برای نوعی اقدام غیرقانونی یک کارگزار به کار می‌برند. این کارگزار به دلیل داشتن وکالتنامه معاملات زیادی به حساب مشتری خود انجام می‌دهد تا از این طریق بر میزان کمیسیون خود بیفزاید. این کار منع قانونی دارد.

Churning

کمیسیون زیاد گرفتن

خرید و فروش بسیار زیاد اوراق بهادار به حساب مشتری (به وسیله کارگزار). معمولاً کارگزارها برای بالا بردن کمیسیون خود، دست به چنین کارهایی می‌زنند.

Cincinnati Stock Exchange

سازمان بورس سین سیناتی

این سازمان در سال ۱۸۸۷ تأسیس شد. نخستین سازمان بورسی است که به دستگاه کامپیوتری مجهز شد. در این سازمان معامله‌گران در تالار حضور ندارند، بلکه از یک سیستم کامپیوتری بسیار پیشرفته استفاده می‌کنند.

Circle

ثبت نام برای خرید

اصطلاحی است که در رابطه با تمایل به خرید نوعی سهم به کار برده می‌شود. سهم مورد بحث در فهرست اعلانات بورس ظاهر شده و این فهرست عملاً در سازمان دست به دست می‌چرخد و نام خریداران بالقوه در آن نوشته می‌شود.

Class

هم طبقه

۱- گروهی از سهام که دارای ویژگی‌های مشابه هستند. (برای مثال سهام ممتاز یک گروه یا یک طبقه از سهام هستند).

۲- یک گروه از برگ‌های امتیاز خرید سهام متعلق به یک شرکت.

Class A/ Class B Stock

سهام طبقه‌بندی شده الف و ب

Classified Stock	سهام طبقه‌بندی شده
	سهام یک شرکت که تفکیک شده و دارای ویژگی خاصی است، مثلاً یک طبقه از سهام طبق اساسنامه دارای حق رأی بیشتری می‌باشد.
Clean	تمیز
	۱- بدون بدهی
	۲- بدون قید و شرط
	۳- تطبیق سفارشات مربوط به خرید و فروش اوراق بهادار.
	همچنین آن را «natural» هم می‌نامند.
Clear	پایاپای
	۱- وصولی پولی که در چک قید شده است.
	۲- اقلامی از دارایی که در گرو نیستند، یعنی به عنوان وثیقه یا رهن مورد استفاده قرار نگرفته‌اند.
	۳- سود پس از کسر هزینه‌ها
	۴- اوراق بهاداری که قانوناً پذیرفته شده تا منتقل شوند. همچنین آن را قابل معامله "negotiable" هم می‌نامند.
Clearing house funds	وجوه اتاق پایاپای
	کل مبلغ چک‌ها یا حواله‌هایی که از طریق سیستم بانک مرکزی نقل و انتقال می‌یابند و معمولاً سه روز طول می‌کشد تا این اقسام پایاپای می‌شوند.
Client	مشتری یا ارباب رجوع
	کسی که برای انجام معامله به یک کارگزار اوراق بهادار مراجعه می‌کند.

Close قیمت آخرین معامله
 آخرین قیمت یک سهم در یک روز کاری. آخرین نیم ساعت کار سازمان بورس. بستن یک قرارداد یا انجام دادن یک معامله.

Close a position انجام معامله مکمل
 انجام یک معامله مکمل که به منظور رهایی از خطر و دستیابی به پول نقد انجام می‌شود. (برای مثال، خرید یک برگ اختیار خرید سهامی که قبلاً فروخته شده، یا خریدن سهامی که قبلاً به صورت استقراضی به فروش رفته است).

Closed corporation سهام شرکت سهامی خاص
 سهام شرکتی که در بازار معامله نمی‌شود، زیرا این سهام در دست چند سهامدار عمده است. شرکت سهامی خاص.

Closed - end fund شرکت سرمایه‌گذاری
 نوعی صندوق مشترک سرمایه‌گذاری که میزان سرمایه آن ثابت است. این شرکت پس از تصویب مجمع عمومی صاحبان سهام و اصلاح اساسنامه اقدام به انتشار سهام جدید می‌کند.

Closed - end investment Company شرکت سرمایه‌گذاری با سرمایه ثابت و مشخص
 این شرکت پس از تصویب مجمع عمومی صاحبان سهام و اصلاح اساسنامه می‌تواند سهام جدید منتشر کند.

Closed - end management Company صندوق مشترک سرمایه‌گذاری با سرمایه ثابت

Closed out فروش اجباری
 فروش اجباری اوراق بهادار یک مشتری بدهکار (که در دفاتر کارگزار دارای مانده بدهکار

است و سهام را به صورت اعتباری یا استقراضی خریداری کرده است). بستن حساب یک مشتری نزد مؤسسه کارگزاری، زیرا به اظهارهایی که برای او ارسال شده پاسخ مثبت نداده است. در واقع او می‌بایستی پول نقد پرداخت کند یا اوراق بهادار بیشتری نزد کارگزار بسپارد.

مالکیت متمرکز
Closely held
حالتی است که تعداد معدودی از سهامداران صاحب درصد بالایی از سهام شرکتی هستند.

خرید به منظور تسویه حساب
Closing Purchase
معامله‌ای که نتیجه آن دستیابی به پول نقد است. (برای مثال، فروش یک برگ اختیار خرید سهام که قبلاً خریداری شده بود یا خریدن سهامی که قبلاً به صورت استقراضی به فروش رفته بود).

آخرین قیمت پیشنهادی
Closing quote
آخرین قیمت خرید یا فروش سهام در یک روز کاری.

فروش پایان‌دهنده
Closing sale
آخرین قیمتی که در یک روز کاری، سهام با آن قیمت دادوستد شده‌اند. فروش اوراق بهادار به منظور کسب سود حاصله.

انجام یک معامله مکمل به منظور نقد کردن سرمایه‌گذاری
Closing transaction
مترادف با Closing Sale می‌باشد.

قانون «انجمن ملی معامله‌گران اوراق بهادار»
Code of procedure
در این قانون مقرراتی که اعضای انجمن باید رعایت کنند، شیوه رسیدگی به شکایت

مشتریان و جرائم مربوط به تخلف و نقض مقررات تصریح شده است.

Collateral گرو، رهن، وثیقه
دارایی‌هایی که گیرنده وام در گرو وام‌دهنده گذاشته است.

Collateralize گرو گذاشتن
به گرو گذاردن دارایی‌ها برای تضمین یک وام.

Collateral trust bond اوراق قرضه رهنی
اوراق قرضه‌ای که پشتوانه آن اوراق بهادار متعلق به شرکت انتشاردهنده اوراق قرضه است.

Collectibles اشیاء قیمتی
جمع‌آوری چیزهای قیمتی توسط یک نفر، مثل جمع‌آوری جواهرات، سکه، تمبر و غیره.

Collection وصول مطالبات، وصول درآمد، وصول چک

Collection ratio متوسط دوره وصول مطالبات
برای محاسبه آن حساب‌های دریافتی شرکت را به میانگین فروش روزانه تقسیم می‌کنند.

Combination خرید و فروش همزمان
خرید و فروش همزمان گواهی اختیار خرید سهام یک شرکت که دارای قیمت‌های توافقی متفاوت و یا تاریخ‌های انقضای متفاوت هستند.

اوراق قرضه تضمینی Combination bond

اوراق قرضه‌ای که بازپرداخت اصل و فرع آن به وسیله یک نهاد کاملاً معتبر دولتی و درآمدهای ناشی از طرح مورد اجرا به صورت کامل تضمین شده است.

حساب مختلط Combined account

یک حساب اعتباری نزد مؤسسه کارگزاری که مشتری اجازه دارد اوراق بهادار را به فرد یا به صورت استقراضی بفروشد.

عرضه مخلوط Combined distribution

عرضه مجموعه‌ای از اوراق بهادار تازه انتشار یافته و اوراق بهاداری که قبلاً منتشر شده‌اند.

نامه تأییدیه Comfort Letter

نامه‌ای که یک حسابرس مستقل صادر می‌کند و در آن ابزار می‌دارد: اطلاعاتی که در اظهارنامه ثبتی و اعلامیه پذیره‌نویسی اوراق بهادار تازه انتشار یافته داده شده است به صورتی درست تهیه و ارائه شده‌اند و اینکه از زمان تهیه و انتشار آن مطالب تا زمان نشر این نامه، هیچ تغییر مهمی در آنها رخ نداده است. از دیدگاه کمیسیون بورس اوراق بهادار این نامه باید پیوست مدارکی شود که به آن کمیسیون تحویل می‌گردد.

اوراق تجاری Commercial paper

نوعی اوراق قرضه کوتاه مدت که شرکت‌ها منتشر می‌کنند.

جابه‌جا کردن Commingling

جابه‌جایی سهام یا اوراق بهادار یک مشتری با سهام یا اوراق بهادار یک مشتری دیگر. تنها هنگامی یک کارگزار می‌تواند چنین کاری بکند که از پیش رضایت کتبی از آن مشتری

گرفته باشد وگرنه این کار منع قانونی دارد.

Commission

کارمزد

حق‌العملی که به یک کارگزار پرداخت می‌شود و مشتری با این پول خدمات او را (برای خریدن یا فروش اوراق بهادار) جبران می‌کند.

Commission broker

کارگزار کمیسیون بگیر

کارگزاری که نمایندگی یک مشتری را می‌پذیرد و به نمایندگی از طرف او اوراق بهاداری را خرید و فروش می‌کند و در ازای خدماتی که انجام می‌دهد کمیسیون می‌گیرد.

Commission house

سازمان کارگزاری

مؤسسه یا سازمان کارگزاری که به نمایندگی از طرف و به حساب مشتریان خود کالاهای واقعی یا پیمان‌های آتی (مربوط به این کالاها) را خرید و فروش می‌کند.

Committee on Uniform Securities Identification Procedures (CUSIP)

کمیته‌ای که شماره‌های خاصی به اوراق بهادار می‌دهد. کمیته تعیین‌کننده شماره اوراق بهادار.

Commodity Futures Trading Commission (CFTC) کمیسیون ناظر بر پیمان‌های آتی

این کمیسیون در ۱۹۷۴ به وسیله مجلس قانونگذاری آمریکا تأسیس شد. وظیفه کمیسیون مزبور از این قرار است: نظارت بر شیوه ارائه اطلاعات و آنچه را که شرکت‌ها و سازمان‌ها باید افشاء کنند، نظارت بر اینکه امور تجاری و دادوستدها بر اساس و پایه عدل و انصاف و رعایت مساوات انجام شود؛ رسیدگی به مسأله ثبت شرکت‌ها، حمایت از وجوه مشتریان، نظارت بر امور دفتری و شیوه ثبت عملیات، و اینکه بازار پیمان‌های آتی، بازار برگ‌های اختیار خرید و فروش پیمان‌های آتی به گونه‌ای منظم انجام شود.

Community property	دارایی مشترک
دارایی‌های که یک زن و شوهر در تملک دارند و حقوق آنها در رابطه با سود، بهره و درآمد حاصل از دارایی‌ها یا افزایش ارزش این ارقام برابر است.	
Company	شرکت
سازمانی که در امور تولید و ارائه کالاها و خدمات فعالیت می‌کند.	
Competitive bidding	مزایده
پیشنهاد قیمت خرید اوراق بهادار در پاکت دربسته به وسیله سندیکای مؤسسات تأمین سرمایه تسلیم شرکت می‌شود. شرکت کسی را برنده اعلام خواهد کرد که قیمت بالاتری را پیشنهاد کرده باشد.	
Complaint	شکایت
ابزار رسمی یا غیررسمی از نارضایتی یک مشتری از کارگزار.	
Compliance	رعایت مقررات
رعایت قوانین و مقرراتی که به وسیله نهادهای قانونگذاری یا تدوین‌کننده مقررات بر افراد، سازمان‌ها یا شرکت‌ها اعمال شده است.	
Compliance department	دایره ناظر بر مقررات
در سازمان بورس دایره‌ای وجود دارد که بر فعالیت‌های اعضا نظارت می‌کند تا امور طبق قوانین و مقررات حاکم بر این سازمان‌ها صورت گیرد.	
Compounded interest rate return	نرخ بازده مرکب
یک نوع شیوه محاسبه بازده که در آن فرض می‌شود بازده حاصله مجدداً سرمایه‌گذاری	

می‌شود و سرمایه‌گذار روی بازده حاصله، بازده جدید بدست می‌آورد.

Compound growth rate

نرخ رشد مرکب

نرخ رشدی که در طی چند سال به صورت مرکب محاسبه شود. مثلاً اگر رقم در سال پایه برابر با ۱۰۰ و دو سال بعد برابر با ۱۴۴ شود نرخ رشد مرکب سالانه برابر با ۲۰٪ است

$$[۱۴۴ = ۱۰۰(۱ + ۰/۲۰)^۲]$$

Compound interest

بهره مرکب

بهره‌ای که با توجه به مجموع اصل و فرع مبلغ سرمایه‌گذاری محاسبه و پرداخت شود.

Comptroller

رئیس کل حسابداری

رئیس کل امور مالی. مدیر کل مالی. یک مقام بالای شرکت که مسؤول امور مالی است. همچنین او را "Controller" هم می‌نامند.

Computerized buy program

سفارش خرید کامپیوتری

سفارشات خرید که به وسیله کامپیوتر داده می‌شود. گاهی سفارشات بسیار سنگین برای خرید انواع مختلف سهام به بازار داده می‌شود که باعث افزایش شدید قیمت‌ها در بازار می‌گردد.

Computerized marketing system

سیستم کامپیوتری بررسی وضعیت بازار سهام

با استفاده از کامپیوتر روند تغییر قیمت سهام خاص و کل بازار بررسی می‌شود. بدین وسیله مشخص می‌شود که آیا زمان مناسب برای خرید سهام فرا رسیده است یا نه.